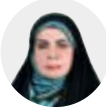


آزاد از زندان اما اسیر نگاه اجتماع

درباره مشکلات زندگی زندانیان آزادشده که رهایی را به کام آن‌ها تلخ می‌کند

گزارش روز



معمومه فرمان فرزان

با چشم‌بند و پابند به ندامتگاه منتقلش می‌کنند، آن‌هم با یک اتهام سنگین؛ قتل برای یک پسر چهارده ساله نحیف و ریزه میزه خیلی سنگین است. نیمه‌هنوز هم نمی‌داند چه اتفاقی افتاد و آن لحظه چطور از کوره در رفت و تیغ موکت‌بری نشست روی شاه‌رگ پدر خوانده‌اش. اتفاق‌های پس از آن جریان را به خاطر ندارد، به جز جیغ ممتد مادرش که برای نجات جان همسرش کمک می‌خواست. نیما به جز آن فریادهای دل‌خراش چیزی به یادش نمانده است، اما بعد از اینکه می‌فهمد پدر خوانده‌اش زنده نیست، خوش حال می‌شود، حتی اگر مقصر این ماجرا او باشد. به قول خودش دیگر نمی‌توانست کنار یک موجود کثیف زندگی کند. همسر مادرش چندبار به نیما تجاوز کرده بود و او از نگاهش واهمه داشت و همان بهتر که چنین آدم «مزخرفی» در دنیا نباشد! نیما به کانون اصلاح و تربیت مشهد منتقل می‌شود. حکم دادگاه برای قتل عمد، قصاص است. معنی قصاص و خیلی از واژه‌های دیگر حقوقی و قضایی برای او در این سن و سال نامانوس است. می‌داند تا رسیدن به سن قانونی (هجده سالگی) برای اجرای حکم باید در کانون اصلاح و تربیت بماند. کمترین زمان ممکن، یعنی چهار سال، هر روز که می‌گذرد، بیشتر با معنی واژه‌ها آشنا می‌شود. اینکه قصاص مترادف با مرگ است و او باید خودش را برای پذیرش این موضوع آماده‌کند.

پایان محکومیت؛ شروع دردمسرها

از دیگران شنیده بود چهارپایه را که از زیر پایش بکشند، در کمتر از چند ثانیه همه چیز تمام است و ارتباطش با دنیا قطع می‌شود. نیما دلهره رسیدن به هجده سالگی و خدا حافظی با دنیا را داشت. با این حال، روزی که برگه آزادی را گذاشتند کف دستش و ساک مشکی کوچکش را برای رفتن آماده می‌کردند، لیخند روی لبش ماسید؛ غافل‌گیر شده بود از اینکه یک گروه واسطه شده‌اند و از خانواده مقبول رضایت گرفته‌اند و حکم قصاص او لغو شده است. او از بند آزاد شد، اما بعد از آن روزها دیگر هیچ وقت نتوانست خودش را پدیدآورد. بسیاری از محکومان پس از آزادی، تازه در درسهایشان شروع می‌شود، چون نمی‌دانند با آن سوء پیشینه‌ای که هیچ وقت از کارنامه زندگی‌شان پاک نمی‌شود، چه باید بکنند. ماجرای طلافروش سرشناس مشهدی یکی از این نمونه‌هاست؛ از آدم حسابی‌ها و سرشناس بازار طلاست که تا قبل از اینکه به اصطلاح ورشکسته شود، سر اسم و شهرتش قسم می‌خورند. حاجی زندگی پرفراز و نشیبی

بی‌گناه است اما نمی‌بخشمش

چالش‌های روحی، فقط بخشی از مشکلات زندانیان رهاشده از بند است. مسئله دیگر آن‌ها، اشتغال و کسب و کار است. شرط خیلی از کارفرمایان برای استخدام و جذب نیرو، نداشتن سوء پیشینه است که به نظر، حق هم می‌آید، اما معمولاً این نوع طرد شدن، آن‌ها را دوباره به بستر آسیب‌های اجتماعی می‌اندازد. اطلاعات غیررسمی که گروه‌های حامی زندانیان ارائه می‌دهند، حاکی از آن است که تقریباً همه این مددجویان پس از تحمل دوره زندان، تمایلی به برگشت به جامعه ندارند و این کمترین تقاضایی است که می‌توانند داشته باشند. البته این تقاضا معمولاً پاسخ درخوری از سوی افراد جامعه دریافت نمی‌کند؛ نه فقط از سوی مردم، بلکه حتی اعضای خانواده هم آغوشی گشاده برای آن‌ها ندارند. آسیه، نام مستعارش است. حالا بی‌گناهی همسرش به او ثابت شده اما دیر است و «آبرویی را که بریزید، نمی‌شود جمع کرد». نمی‌تواند در خانواده و اقوام سر بلند کند. در این یک‌ساله که حمید به جرم حمل و نقل مواد مخدر دستگیر و بعد هم ثابت شده بود نقشه‌ی یکی از دوستان نزدیکش بوده و او بی‌گناه است، بزرگ و کوچک به او طعنه می‌زدند. آسیه می‌گوید: این حرف‌ها روح و روانم را به هم ریخته است و اصلاً نمی‌توانستم برگشت حمید را ببینم، هر چند می‌دانستم بی‌گناه است. به همین دلیل هم درخواست طلاق دادم. زندان نام بدی دارد.

چالش‌های زندانیان پس از آزادی از زندان

۱

پذیرش خانواده

۲

سرنش و تحقیر

۳

احساس تنها بودن

۴

یافتن شغل

۵

احساس محرومیت و عقب‌ماندگی

۶

از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی

۷

داغ‌تنگ زندان

۸

تداوم مجرم‌پنداری

فرهنگ سازی برای پذیرش زندانیان رهاشده

کاش روزی که سنگ بنای زندان گذاشته شد، آن‌هم با هدف تنبیه و تأدیب گروهی برای بازدارندگی از ارتکاب جرم، این فرهنگ هم نهادینه می‌شد که فرد پس از آزادی، دیگر مجرم نیست که در زندانی بزرگ‌تر حبس شود. با فروغ رضایی مقدم، رئیس هیئت مدیره مؤسسه تحکیم و ترویج سلامت و امنیت اجتماعی خانواده و بانوان فروغ امید، درباره لزوم حمایت از زندانیان پس از رهایی از بند هم‌کلام شدیم. این مؤسسه از سال ۱۳۹۱ به صورت جدی برای رهایی زندانیان فعالیت می‌کند.

● شهرآرا: پذیرش اجتماعی پس از خروج از زندان چقدر در پیشگیری از اقدامات مجرمانه بعدی تأثیرگذار است؟ در این زمینه باید اجتماع و افراد را تقسیم بندی کنیم. خوشبختانه برخی افراد آن قدر فرهیخته هستند و درک خوبی دارند که برای کمک به افراد این گروه، راحت پذیرششان می‌کنند؛ اما در مجموع، جامعه کسانی را که برجسب زندانی بر آن‌ها خورده است، نمی‌پذیرد. خانمی بود که با وجود اینکه به دلیل ضمانت یک نفر زندانی شده بود، اقوامش وقتی مطلع شدند، کلاً او را طرد کردند. یکی از معضلات مددجویان همین است که برای جرم‌ها درجه بندی انجام نمی‌شود. برخی مددجویان زندان، بدهکاران مهریه هستند یا مشکلات مالی دارند. چرا این افراد باید در کنار کسانی باشند که جرم‌هایی مانند قاچاق مواد مخدر انجام داده‌اند؟

● شهرآرا: زندان بهترین راه تنبیه برای افراد است؟ زیاد شدن تعداد زندانیان نشان دهنده این است که زندانی کردن در حل‌راه مناسبی نیست و بهتر است راه‌های جایگزین هم استفاده شوند. بیشتر مادرانی که حبس کشیده و زندان بوده‌اند، معمولاً فرزندان بزهکار دارند. برای بیشتر بزه‌ها به ویژه جرم‌های کوچک نباید به حبس متوسل شد. چند سال قبل تصویر کودکان بزهکار را در تلویزیون نشان می‌دادند. من به این موضوع معترض شدم، زیرا وقتی قبح یک کار برای یک کودک از بین می‌رود، انتظار هر خطا و جرمی از او می‌رود. وقتی آبرو و حیثیت یک نفر خدشه دار شد، دیگر چیزی برای او باقی نمی‌ماند و مطمئن باشید او از اینکه یک مجرم سابقه دار شود، درمان نیست.

● شهرآرا: برای جلوگیری از این چرخه پیشنهادی هم دارید؟ من بارها پیشنهاد کرده و گفته‌ام که چرا بین زندان و دادگاه نباید یک ساختمان معمولی باشد با حضور کارشناس‌های مختلف روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تا با مددجویان در ارتباط باشند. علاوه بر این، زندانی‌ها بنا به هر دلیلی که محکوم به حبس شوند، باز هم عضوی از اجتماع ما هستند. من از خودم شروع کرده‌ام؛ شماره تماس من در دست خیلی از مددجویان است. تا هر وقت دوست داشتند با من حرف بزنند، آن‌ها باید به ما اعتماد کنند. به تازگی یکی از این مددجویان وام قرض‌الحسنه‌ای از من خواست که احتمال می‌دهم آن را بزنگرداند، اما این مبلغ را در اختیارش قرار دادم. می‌خواستم به او بفهمانم که اعتماد کرده‌ام و همین موضوع شاید انگیزه‌ای برای کارکردن او شود. ما باید ساختار، گفتار و رفتار خودمان را اصلاح کنیم. کافی است این عبارت از زبان یک نفر به یک کودک یا نوجوان گفته شود که «بابای تو زندانی یا اعدامی و... است»، بعد ببینید این عبارت چه تأثیری بر یک خانواده خواهد داشت.

دیدگاه

تصویب قانون هوای پاک هم چیزی را تغییر نمی‌دهد

مرگ تدریجی شش‌ها

فرمانی کیا ا در یک وجب جا چند ماشین پارک است، آن‌هم توی ترافیکی که همیشگی و کلافه‌کننده است. مرکز شهر حوالی مجموعه‌های درمانی و مطب پزشکان هیچ وقت خلوت نبوده است. شلوغی جزء لاینفک خیابان‌ها، مراکز تجاری، فروش و... است. اوج آن در ساعت ابتدایی و میانی روز و وقت رفت و آمد دانش‌آموزان به مدرسه و تردد کارمندان، کارگران و دیگر شاغلان شهری است. این تاز اول ماجراست. مشهد هر روزش را که حساب کنید، کلی مهمان ناخوانده دارد که برای درمان از شهرها و روستاهای اطراف می‌آیند تا هوای ناپاک تری به من و شما دهند و بعد هم بگذرانند و بروند! حتی اگر آماری از افزایش مرگ و میر ناشی از سکنه و بیماری قلبی گزارش نشود، نفس تنگی و سرفه‌های ممتد و پشت سرهم که وقت و بجی وقت سراغمان می‌آید، نشان از این دارد که ریه‌ها و شش‌ها کم‌کم تحلیل می‌روند. هوای آلوده و ناسالمی که هر روز با آن دم‌خور هستیم، دم و بازدم را برای جوان‌ها و کسانی که سلامتی‌شان پایدارتری دارند، سخت می‌کند، چه برسند به کسانی که در سن خطر و هشدار هستند و احتیاج به مراقبت بیشتری دارند.

وقتی رئیس مرکز پایش آلاینده‌های زیست‌محیطی شهرداری مشهد از ثبت پانزده روز هوای پاک برای مشهد خبر می‌دهد که بازه زمانی سه‌ماهه در شروع امسال را شامل می‌شود و این آمار هشداردهنده مرتب تکرار می‌شود، به‌گونه‌ای که سرپرست اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان رضوی در همین آذر و بعد از بارش نسبی باران پاییزی، اعلام می‌کند که مشهد بعد از دوازده روز بی‌بایی آلودگی در هوای پاک قرار گرفت، متوجه خواهید شد که اطلاعات موجود وزارت بهداشت را که تذکر می‌دهد سالانه بین ۵ تا ۶ میلیون نفر به خاطر آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند، چقدر باید جدی گرفت.

این‌ها را بگذارید کنار این موضوع که دائم هشدار داده می‌شود شرایط اقلیمی و محیطی مشهد، ظرفیت انباشت آلاینده‌ها را دارد و حجم هوای آلوده در چنین محیطی، محبوس خواهد شد و عامل بیش از ۸۰ درصد آلاینده‌ها، خودروها و موتورسیکلت‌ها هستند.

البته خودمان هم به خودمان رحم نمی‌کنیم؛ بیشتر ما این موضوع را نمی‌پذیریم که وقتی ماشین در اختیارمان هست، از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنیم، حتی اگر تک سرنشین باشیم، ترجیح می‌دهیم راحت‌تر به مقصد برسیم و قربانت استفاده از خودرو شخصی هر روز حادثه و حادثه می‌شود. این موضوع در مورد موتورسیکلت‌ها هم مصداق دارد، آن‌هم در وضعیتی که برخی از آن‌ها فرسوده و از رده خارج هستند و کلی آلاینده به محیط شهری و فضایی که در آن زندگی می‌کنیم، اضافه می‌کنند.

حالا مهمان‌های ناخوانده به شهر زائریذیرمان را مدنظر بگیرید که هر روز برای زیارت، سیاحت و درمان و... به مشهد سفر می‌کنند و غالباً با خودرو شخصی، و این سفرها در طول سال بارها تکرار می‌شود.

مشهد با ۴ میلیون جمعیت و ۳۰ میلیون زائر مواجه است که روزانه بیش از یک میلیون خودرو سبک و ۴۰۰ هزار موتورسوار در آن تردد می‌کنند و خروجی آن‌ها، استفاده ۸ میلیون لیتری بنزین و ۳ میلیون لیتری گازوئیل است؛ منابعی که بگاژه‌های آلاینده تبدیل می‌شوند و به همین سادگی ملتی که دائم ازگرنی هزینه‌های درمان و شلوغی مجموعه‌های درمانی‌گلابه می‌کنند، نمی‌دانند که خودشان روزانه چقدر بنزین و گازوئیل دود می‌کنند و به خورد دیگران می‌دهند. حالا حساسی را بکنید اگر بنزین هم استاندارد نباشد یا این خودروها به سن فرسودگی رسیده باشند و وقش رسیده باشد که از رده خارج شوند، درحالی‌که در ماده ۸ قانون هوای پاک آمده است همه اشخاص حقیقی و حقوقی مالک وسایل نقلیه اعم از سبک، نیمه سبک و سنگین مکلفند وسیله نقلیه خود را بعد از رسیدن به این سن از رده خارج کنند.

حالا دیگر هیچ چیز ضامن سلامتی افراد نیست، حتی ورزشکاران در چنین اوضاع و احوالی، ماندن در خانه را به ورزش کردن در پارک‌ها ترجیح می‌دهند. این موضوع حتی مسئولان اجرایی در سطح کلان را به فکر انداخته است که به خاطر ناسالم بودن شرایط جوی، قانون «هوای پاک» را تصویب کنند اما گمان می‌رود این قانون هم کسی را تکان ندهد، فقط باعث می‌شود هرازگاهی مدارس تعطیل شوند و صداوسیما به همین خبر اکتفا کند که هوای مشهد در شرایط هشدار و اضطراب قرار دارد، غافل از اینکه روزانه به خاطر این هوا، کلی به‌آمار بیماران قلبی و تنفسی اضافه می‌شود و تعداد بیشتری از این افراد هم برای همیشه چشم از جهان می‌بندند؛ به همین راحتی!

روی خط جامعه

همراهی ۲۵۰ هزار معلم با طرح اگرام ایتم

معاون توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد گفت: بیش از ۲۵۰ هزار معلم در طرح اگرام ایتم و محسنین کمیته امداد مشارکت دارند.

حبیب... آسوده درگفت و گو با مهر، با اشاره به استقبال خوب معلمان و فرهنگیان از پویش مهرآموز، اظهار کرد: در حال حاضر بیش از ۲۵۰ هزار معلم در طرح اگرام ایتم و محسنین کمیته امداد مشارکت دارند.

وی با اشاره به اینکه سهم خراسان شمالی از این طرح، مشارکت بیش از ۵ هزار معلم و فرهنگیان است، یادآوری کرد: معلمان و فرهنگیان با ترویج فرهنگ خیر و احسان در بین دانش‌آموزان، می‌توانند آن‌ها را به عنوان سفیران آینده فرهنگ خیر و احسان معرفی کنند.

آسوده گفت: برنامه راهبری خیر و احسان را کمیته امداد از طریق گروه‌های مردمی اجرا می‌کند، تا آنجا که مؤسسات خیریه و مراکز نیکوکاری، به عنوان بازوان پرتوان این نهاد، با مردمی کردن نحوه خدمت‌رسانی به مددجویان، در حال دستگیری از نیازمندان هستند.

وی با اشاره به اجرای پویش مهرآموز با همکاری آموزش و پرورش ادامه داد: معلمان می‌توانند دانش‌آموزان را به سمت خیر و احسان و کمک به هم‌نوع سوق دهند.

اوقات فراغت؛ اوقات طلایی دانش‌آموزان



وزیر آموزش و پرورش گفت: هر قدر فعالیت‌های ایجابی کم شود، به میزان آسیب‌های اجتماعی در حوزه دانش‌آموزی افزوده می‌شود. علیرضا کاظمی درگفت و گو با ایسنا، ادامه داد: اگر فعالیت‌های ورزشی، تعریف و تجهیزات ورزشی و فعالیت‌های فوق برنامه برای دانش‌آموزان مهیا و پررنگ شود، در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مؤثرتر است و در اولویت این برنامه‌ها، توسعه و ترویج برنامه‌های قرآنی و انس با قرآن است. کاظمی بر اهمیت اوقات فراغت دانش‌آموزان تأکید کرد و گفت: باید برای این اوقات، برنامه‌ریزی مناسبی بشود.



شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۳ ۵مهین آذر ۱۳۹۹ شماره ۳۳۳

۱۳ SHAHVARNEWS.IR

